

گذار زن از گذار زندگی

- ۹ -

شاردن نیز می گوید که : مشعلدار باشی ناظر و حامی اما کن فساد و نوازندگان و شعبده بازان بوده و مالیات آنان را دریافت میداشت (۱) .

باینکه حمله عرب و حمله مغول و واقعه مشروطه از جهت تدوین تاریخ ایران ، مثل حمله اسکندر ، خود وسیله تحریر سرفصلهای مهم و برجسته هستند ، و اما همه ما می دانیم که اصول اجتماعی جامعه ما ، درین سه چهار دوران بطور کلی دیگرگون شده است ولی درتواریخ خبری از آن نیست ، و اگر هم باشد آنقدر کم رنگ و کم مایه است ، که در گوشه و کنار ، تاریخ ، اصلا اشاره ای بدان نمی توان یافت.

البته ما قبول داریم که دین اسلام ، آزاد کردن بردگان را یکی از عبادات قرارداده و ما می دانیم که دخالت زن در امور زندگی از خاصه های دین اسلام است و «کلمینی یا حمیرای» حضرت رسول ، مقام زن را نزد صحابه و انصار و مهاجر و الائمه بخشیده ، اما چه میشود کرد بایک پدیده بزرگ بشریت ، که مسئله بردگی و بندگی زنان باشد و خرید و فروش آنان ؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتبه دوم انسانی
 * * *

ما در دورانه های گذشته ، پادشاهان و صدور و امرای فراوان داشته ایم که اغلب آزاد کننده اسیران بوده اند چنانکه مثلا در تاریخ سیستان می خوانیم که « امرای سیستان اندر هر سال صد بنده بخیردندی از پانصد درم تا چهارصد درم ، و آزاد کردند » و صدر بخار نیز ، چون ماه رمضان رسیدی ، شش یا هفت بنده آزاد کردی (۲) ولی می دانیم که این امر از عهد آدم باقی بود ، چنانکه لمک بن قایل بن آدم ، عود را وضع کرد ، و او را عمر طویل بوده است ، و پنجاه زن و صد سریه داشته است (۳) و این امر تا قبل از قرن نوزدهم در دنیا و تا قبل

۱ - سیاست و اقتصاد عصر صفوی ، ص ۲۲۷ ، بنقل از سیاحتنامه شاردن .

۲ - تاریخ ملازاده ، تصحیح گلچین معانی ، ص ۴۷ . ۳ - مقاصد الامال ، ص ۱۳۶ .

از مشروطه در ایران رواج داشت ، و شاید تعجب کنید که از میان آن همه وزیران و امیران و رجال و شخصیت های نامدار سیاسی و غیر سیاسی ، تنها در زمان حاج میرزا آغاسی بوده که اندک توجهی به این امر شد ، هر چند آن هم به جائی نرسید :

توضیح آنکه در سال ۱۷۷۲ میلادی (۱۱۸۶ هـ ، زمان کریم خان) محاکم انگلستان قانونی وضع کردند که به محض اینکه غلامی وارد جزایر بریتانیا شود آزاد خواهد بود ، همچنین در حوالی ۱۸۱۱ میلادی (۱۲۲۶ هـ . زمان فتحعلیشاه) بموجب قانون دیگری تجارب برده را بکلی قدغن و مجازات عاملین آنرا نفی بلد و تبعید تعیین کردند و بالاخره در سال ۱۸۹۰ میلادی ۱۳۰۸ ق / زمان ناصرالدین شاه کنفرانس بروکسل تشکیل شد و منع خرید و فروش برده را در تمام دنیا اعلام داشت. انگلیسیها نیز پس از تصویب قانون منع خرید و فروش برده بفرق افتادند که نفوذ دریائی خویش را از راه دیگر در خلیج فارس محفوظ نمایند. لذا در سلطنت محمدشاه قاجار و صدارت حاجی میرزا آغاسی (۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ = ۱۸۳۴ - ۱۸۴۷ م) کننل «فرانت» انگلیسی شارژدار انگلیس مقیم دربار ایران درخواست کرد برای بازرسی کشتی هایی که به خلیج فارس وارد می شوند - از لحاظ اینکه مبادا برده حمل کرده باشند - اجازه بازرسی کشتیها به آنها واگذار شود. گرچه ابتدا محمدشاه حاضر بقبول این خواسته انگلیسیها نبود ولی بعلمت نفوذ عواملی اجازه بازرسی کلیه کشتی های خارجی و ایرانی را به دولت انگلیس واگذار کرد ، و به حاجی میرزا آغاسی هم فرمانی داد که طوری آن را رفع و رجوع کند. متن فرمان اینست :

«جناب حاجی ، نگذارید دیگر از راه دریا غلام و کنیز وارد شود ، بگذارید از راه خشکی بیآورند ، این مرحمت فقط در حق فراخت صاحب می شود ، و من از او خوشنود می باشم و باین مطلب رضایت داده ام ، در این باب بحکم خلیج فارس بنویس - من این اجازه را فقط برای حسن رفتار فرانت می دهم و الا بین ما و دولت انگلیس هنوز هم خیلی اختلافات موجود است . شاه »

بنابراین اینجا هم به اینصورت برگذار شده ، «نگذارید دیگر از راه دریا غلام و کنیز وارد شود ، بگذارید از راه خشکی بیآورند» ! (۱)

زاهدان را به کعبه بسیار است من ز دریا روم تو از خشکی

درست در همان روزهایی که اعلامیه حاج میرزا آغاسی و محمدشاه ، دائر بر عدم ورود برده از راه دریا ، صادر شده است ، در بیابانهای کرمان و جیرفت ، يك سند نوشته شده است که همه

۱ - به روایت سرقونسل انگلیس در بوشهر در سه ماه اوت و سپتامبر و اکتبر ۱۸۴۱ م = ۱۲۵۷ هـ . تعداد ۱۱۷ کشتی حامل ۱۲۷۱ برده سیاه در کنار جزیره خارک لنگر انداخته اند . (جزیره خارک آل احمد ، بنقل از خلیج فارس ویلسون)

آن حرفهای رسمی را باطل می کند ، این سند را من عیناً چاپ می کنم :

« ... الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین ، و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین الطیبین لا ... خیر المعصومین ، اما بعد ، باعث بسر تحریر و تسطیر شرعی القواعد و الارکان آنست که فروخت به بیع صحیح شرعی لازم جاذم قطعی معتبر دینی اسلامی کما هو طریقہ شرعا ، عالیشان سالار ابوالحسن خلف صدق عالیشان سالار علیداد (۴) و کالة از جانب والده خود - وهی المساء بشهر بان ابنه مرحوم اسمعیل آقا به عالیجاه رفیع جایگاه آقا بیک خلف صدق عالیجاه رفیع جایگاه علی جان بیک ، همگی و تمامی ساله شخصی به شوق ؟ موازی یک نفر جاریه مسما گل زاره نام ابنه مراد ، شش دانگ ، و یک نفر بچه غلام پنج ساله و هو محمد ولد قنبر شش دانگ ، و یک نفر بچه کنیز ۶ دانگ که از بابت ارت و والد بمسما مزبوره انتقال شرعی یافته بوده ، به ثمن مبلغ سیزده تومان رایج خزانه عامره از قرار قرانی عددی یک هزار دینار ، و مشتری مزبوره ضمن (۴) مذکورہ خریداری نموده ، و وجه ثمن باخذ بایمه ضمن (۴) مذکورہ درآمد ، و ضیفه مبایمه بینهما جریان شرعی پذیرفت و بایمه مذکورہ ضمن (۴) هرگونه غبنی را در خصوص مبایمه مذکورہ داشت با مشتری سابق الالقاب عالماً عامداً فاحشاً بالافحش (۱) به ثمن مبلغ دو تومان رایج خزانه عامره مصالحه صحیح شرعی نموده ، و ضیفه مصالحه بینهما جریان شرعی پذیرفت ، و ازید تصرف بایمه مذکورہ ضمن (۴) بیرون آمد و در تحت تصرف مشتری سابق الالقاب قرار گرفت ، بمضمون آیه تصرف المالك فی املاکهم و ذوی الحقوق فی حقوقهم - عمل نماید ، و الیوم مبایمه ضمن حق صدق طلق مشتری سابق الالقاب می باشد ، و ایضاً در ضمن المقد شرط شرعی شد بینهما که اگر چنانچه احياناً غیر می یا احدی از آحاد در خصوص مبایمه ضمن ؟ سخنی داشته باشد باید خود بایمه (۴) ازعهده بیرون آید ، این چند کلمه بر سبیل قبالة نامجه فی مابین قلمی گردید . تحریر فی سابع عشر شهر ربیع الاول من شهور سنه احد و سبعین و مأتان بعد الف : من الهجرة اجناب نبوی صلی الله علیه وآله وسلم ۱۲۷۱ (۱۷ ربیع الاول ۱۲۷۱ / نوامبر ۱۸۵۴) . محل مهر یا ابوالحسن ، در بالای آن سهمهر بزرگ و توقع : هو المالك الملك ، اناشهد بذلك لاله الا الله الملك الحق اسبیین محر ؟ و اشهد بذلك ، محمد علی بن : وقع ... المبارکه و ... لدی ، و این مبایمه درست هفت سال بعد از فرمان محمد شاه نوشته شده ، و درست هزار و دو بیست و پنجاه سال بعد از آنکه عمر ، خلیفه دوم به پیشوای همین مردم ، دستور داد که کنیزک بچه دار را حق فروش ندارند ، و این سند به حال مهر ۱۷ تن شهود را هم دارد که همه نام مسلمان دارند و بسا که اغلب اهل سنت هم بوده باشند ، که همه زیر عنوان اسلام به فروش دخترک معصوم «گل زاده» بنت مراد شهادت و فتوی داده بودند ، آری ۱۷ تن .

۱ - آخوند سواد درستی هم نداشته ، عبارت تصرف المالك آیه قرآن نیست ، مزبوره و فاحشاً بل افحش را غلط نوشته ، و هجرت را باحاء حطی ضبط کرده است . این سند در اختیار آقای زمانی بخشدار ساردویه است .

هو الما التا التا
 الما التا التا
 الما التا التا

المما التا التا

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

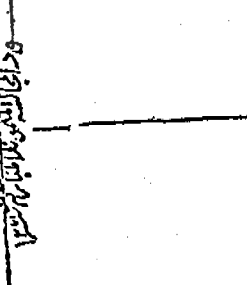
اما بعد يا عباد الله
 انما بعثت فيكم رسلنا
 ليقرئكم كتابي ويعلّمونكم
 ما لم كنتم تعلمون
 وما كنتم تعلمون الا
 ما كنا نريد ان نزل
 به من عندنا
 وما كنا نريد ان
 نزل به من عندنا
 وما كنا نريد ان
 نزل به من عندنا



انما بعثت فيكم رسلنا
 ليقرئكم كتابي ويعلّمونكم
 ما لم كنتم تعلمون
 وما كنتم تعلمون الا
 ما كنا نريد ان نزل
 به من عندنا
 وما كنا نريد ان
 نزل به من عندنا
 وما كنا نريد ان
 نزل به من عندنا



انما بعثت فيكم رسلنا
 ليقرئكم كتابي ويعلّمونكم
 ما لم كنتم تعلمون
 وما كنتم تعلمون الا
 ما كنا نريد ان نزل
 به من عندنا
 وما كنا نريد ان
 نزل به من عندنا
 وما كنا نريد ان
 نزل به من عندنا



انما بعثت فيكم رسلنا
 ليقرئكم كتابي ويعلّمونكم
 ما لم كنتم تعلمون
 وما كنتم تعلمون الا
 ما كنا نريد ان نزل
 به من عندنا
 وما كنا نريد ان
 نزل به من عندنا
 وما كنا نريد ان
 نزل به من عندنا



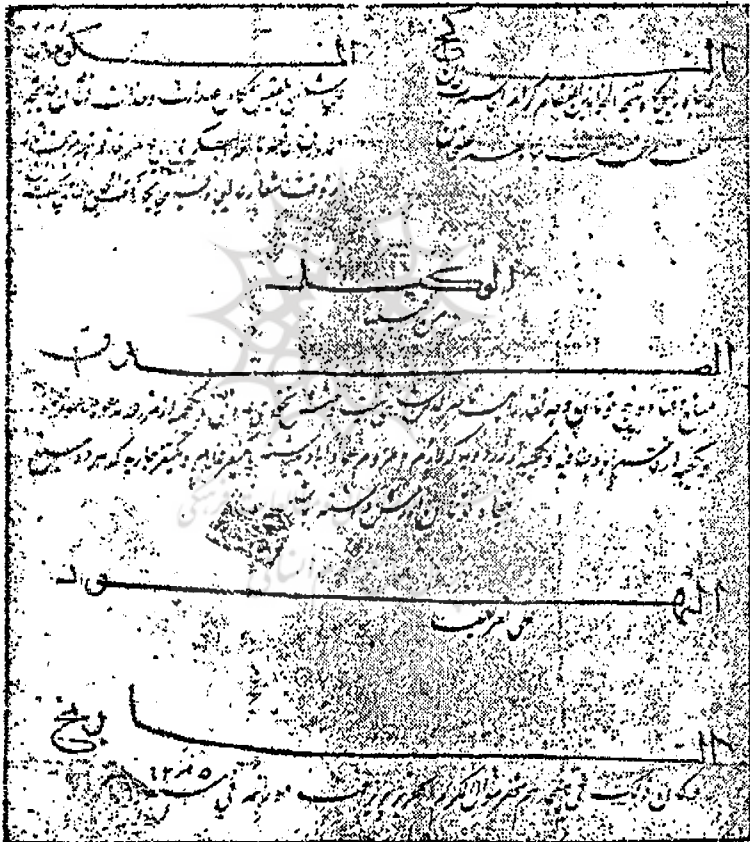
عقد مبارکه صحیحہ شرعیہ دائمیہ واقع شد بطریق شرع نبوی فیما بین :

الناکح

عالیجاء رفیع جایگاہ نتیجہ
الخوائین العظام کرام آقا
سہراب خان خلف مرحمت
و مفہرت پناہ نقد علیخان

المنکوحہ

علیاشان بلقیس مکان صدارت
و خدارت نشان خدیجۃ الدوران
عاقلہ بالفن البکر بی بی فاطمہ
خانم ابنہ مرحمت آثار رموفت
شمار عالیجاء رفیع جایگاہ
کھف الحاج حاجی نجف خان



وبیاز ، در آثار پیغمبر دزدان ، من عقدنامه‌ای چاپ کرده‌ام که مورخ ۱۲۸۵ هـ (۱۸۶۸ م.) یعنی هفت سال پس از واقعه بوشهر است ، و مهر این عقدنامه اینست : الصداق ، مبلغ هفتاد و پنج تومان وجه نقد ریال ناصرالدین شاه بیست و شش نخودی عددی ، و یک حبه از مزرعه موسومه به عمادآباد و یک حبه از قاسم‌آباد طاقیه ، و یک حبه از زردویه - که لازم و ملزوم عمادآباد میباشد - و یک نفر غلام و یک نفر جاریه که هر دو مبلغ پنجاه تومان ارزش داشته باشد . (۱) و این دختر ، نه دختر پادشاه بود و نه خواهر حاکم . بلکه یکی از دختران عادی قریه‌ای بوده است در سیرجان کرمان به اسم وزیدآباد ، ببین کار به کجا رسیده که دخترک زیدآبادی هم کنیزک ۵۰ تومانی جهیزیه می‌خواهد .

در تاریخ ایران ، یا اروپا یا آمریکا ، سعی شده است که مسألهٔ لغو بردگی و کساد بازار «سوداگران آبنوس» (۲) را به یک اعلامیه یا تصمیم آدمی منسوب کنند ، اما اگر از من می‌شنوید : هیچ کدام . بنظر من ، تنها این اکتشاف نفت و نیروی بخار بود که آدمی را از قید بردگی نجات داد ، و این شعلهٔ سوزان نفت بود که چرخها را به حرکت آورد و جانشین بازاری پر انرژی و قوی و عضلات پیچیدهٔ سیاهانی شد که در جنگلهای افریقا قادر بودند شیر و ببر را با آن خفه کنند

۱ - پیغمبر دزدان ، چاپ ششم ، ص ۲۱۵ . ۲ - فروشندگان بردگان سیاه پوست افریقائی را در اروپا و آمریکا ، «سوداگران آبنوس» لقب داده‌اند .

یغما

مؤسس و مدیر : حبیب یغمائی

قائم مقام مدیر : پرویز یغمائی

سر دبیر : بانو دکتر نصرت تاجر به‌کار

دفتر: تهران - خیابان خانقاه - شماره ۱۵ - تلفون ۳۰۵۳۴۴

اشترک سالانه: ایران صد ، خارجه صد و پنجاه ، تک شماره ده تومان .

حساب جاری شماره ۱۲۵۷ بانک ملی ایران ، شعبهٔ خیابان ظهیرالاسلام

چاپ محمد علی فردین